

مروری بر رویکردهای نظری به فرزندآوری

سید محمود طیب حسینی^۱خدیجه طیب حسینی^۲محمد صادق شجاعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

چکیده

یکی از مباحث مهم در دوره معاصر مسئله فرزند و فرزندآوری است. امروزه کاهش فرزندآوری دغدغه بسیاری از کشورها و جوامع به ویژه جوامع دینی و مذهبی است. بر همین اساس دانشمندان و نظریه پردازان نظریه‌های مختلفی درباره فرزندآوری و تبیین علل کاهش آن مطرح کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که چه رویکردهایی به فرزندآوری در میان دانشمندان و نظریه پردازان وجود دارد؟ و در این میان، ادیان الهی چه نگرش و رویکردی را نسبت به فرزندآوری در میان پیروان خود ترویج می‌کنند؟ با پژوهشی که انجام گرفت مجموعاً هفت رویکرد به فرزندآوری شناسایی شد، که ذیل هر رویکرد از یک تا چند نظریه مطرح شده است. این رویکردها عبارتند از: ۱. رویکرد اقتصادی اجتماعی؛ ۲. رویکرد اجتماعی- فرهنگی؛ ۳. رویکرد روان‌شناختی؛ ۴. رویکرد ایده‌ای و نگرشی؛ ۵. رویکرد ساختاری؛ ۶. رویکرد جنسیتی؛ ۷. رویکرد ادیان. در این میان رویکرد همه ادیان الهی

۱. استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: tayebeh@rihu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت گرا دانشگاه قرآن و حدیث:

kh.tayebhosseibi@yahoo.com

۳. استادیار جامعه المصطفی: s_shojaei@yahoo.com



به صورت متفق به تشویق و ترویج فرزندآوری و گسترش نسل انسان در زمین می‌پردازند.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، نظریه‌های فرزندآوری، رویکردها به فرزندآوری، فرزندآوری در منابع اسلامی، فرزندآوری در ادیان



بیان مسأله

فرزند و فرزندآوری همیشه یکی از دغدغه‌های بشر در طول تاریخ بوده است، مهم‌ترین فلسفه ازدواج از نظر قرآن کریم فرزندآوری برای بقای نسل بشر است (نساء، ۱). شواهد نشان می‌دهد از یک سو بشر به صورت فطری میل به فرزندآوری و دوام نسل داشته (آل عمران، ۱۴) و از دیگر سو همواره عواملی این میل را در افراد تهدید کرده و نگرش آنها را به فرزندآوری منفی کرده است (موسوی و قافله باشی، ۱۳۹۲). اهمیت فرزندآوری منجر به انجام تحقیقات فراوان در این موضوع شده و پژوهشگران و دانشجویان زیادی هم از منظر دینی و هم از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی موضوع فرزندآوری و علل و عوامل بازدارنده خانواده‌ها به فرزندآوری و به دنبال آن کاهش جمعیت و راهکارهای افزایش فرزندآوری را در کانون توجه و تحقیقات خود قرار داده‌اند. پژوهش‌های مختلفی موضوع فرزندآوری و عوامل تشویق‌کننده یا بازدارنده، و نیز جایگاه فرزند را بررسی کرده‌اند (پناهی، ۱۳۹۵؛ نوروزی و صادقیان، ۱۳۹۴؛ دهقان دهمالی، ۱۳۹۶).

رویکرد ادیان الهی به ویژه دین اسلام به فرزند و فرزندآوری مثبت است و در آیات و روایات به فرزندآوری توصیه شده است. علیرغم پژوهش‌هایی که تاکنون در موضوع فرزندآوری انجام گرفته، همچنان خلأ مطالعات بیشتر درباره این موضوع احساس می‌شود و اهمیت بسیار زیاد موضوع فرزندآوری همچنان بر ضرورت تحقیقات جدیدتر تأکید می‌کند. با اینکه در موضوع فرزندآوری و جایگاه فرزند در متون دینی اعم از قرآن و حدیث پژوهش‌هایی انجام گرفته، اما به دلیل اهمیت بسیار زیاد موضوع فرزندآوری همچنان مجال بحث در این زمینه گسترده است. یکی از محورهایی که هنوز بحث جامعی در باره آن صورت نگرفته و از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند پایه مباحث بعدی به ویژه در پایه تحقیق در نگرش دینی و اسلامی به موضوع فرزندآوری قرارگیرد مروری بر رویکردها و نظریه‌ها در باره فرزندآوری است.



بنابر این پژوهش حاضر در صدد است که رویکردهای مختلف به فرزند و فرزندآوری در میان دانشمندان را گزارش و تحلیل کند. آگاهی از رویکردها و نظریه‌های مختلف در باب فرزندآوری می‌تواند زمینه مقایسه این رویکردهای با رویکرد دین اسلام به فرزندآوری را فراهم ساخته و ما را به درک درست جایگاه فرزندآوری در دین اسلام رهنمون سازد. براین اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دانشمندان و نظریه پردازان چه رویکردهایی به فرزند و فرزندآوری در پیش گرفته اند؟ و در این میان ادیان الهی چه نگرش و رویکردی را در باب فرزند و فرزندآوری در میان پیروان خود ترویج می‌کنند؟

فرزندآوری به عنوان یکی از انواع حقوق بشر، برای اولین بار، پس از جنگ جهانی دوم، توسط فیلسوف آمریکایی و نظریه‌پرداز حقوقی، دورکین^۱ مطرح شد. این حق در آمریکا در سال ۱۹۹۲ توسط دادگاه عالی به رسمیت شناخته شد. ابتدا این قوانین از حق زوجه معقوده در عقد ازدواج برای تولید مثل حمایت می‌کرد، اما بعدها این قوانین بر حمایت از حقوق افراد مجرد نیز تأکید کرد. در این رابطه، دادگاه عالی آمریکا بیان می‌کند که این حق برای افراد چه متاهل و چه مجرد شناسایی شود تا آن‌ها بتوانند بدون دخالت دولت، درباره فرزندآوری طبیعی یا فرزندخواندگی تصمیم بگیرند (ر.ک: قاننی و معینی فر، ۱۳۹۴، ص ۲ - ۳).

اما در قرآن، فرزندآوری و تولید نسل به آفرینش اولیه انسان برمی‌گردد. «خداوند انسان‌ها را از یک نفس، یعنی حضرت آدم آفرید و از جنس او برایش همسری قرار داد تا از آن دو، مردان و زنان زیادی را در زمین پراکنده سازد» (نساء، ۱). در آیات و روایات فراوانی از معصومان (علیهم‌السلام) بر ضرورت و اهمیت فرزندآوری تأکید و از کشتن و از میان بردن فرزند و جنین به شدت نهی شده است، حتی در بعضی روایات حکم به عدم

جواز عزل^۱ شده است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۰۵، باب العزل؛ خمینی، ۱۳۸۲، ص ۶۵-۸۴). در منابع معتبر شیعه از جمله آثار شهید ثانی و صاحب جواهر، و نیز در منابع اهل سنت، به حق تولید مثل توجه شده است. برخی فقهای متقدم اهل سنت، از حق تولید مثل تعبیر به «حَقُّ فی الولد» با عبارت‌های گوناگون، آن را برای زوجه و زوج و حتی کنیز به کار برده‌اند که نشان می‌دهد از نظر فقهای حنبلی و حنفی وجود چنین حقی برای زوجین است و گویا از نظر فقهای شافعی این حق فقط برای زوج ثابت است (ر.ک: قاننی و معینی فر، ۱۳۹۴، ص ۲-۳).

رویکردها و مبانی نظری نگرش به فرزندآوری درباره فرزندآوری در دوره معاصر رویکردهای مختلفی وجود دارد و از سوی دانشمندان نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. مهمترین رویکردها و نظریه‌ها از این قرار است:

۱. رویکردهای اقتصادی اجتماعی

در طول قرن بیستم میلادی، به رویکردهای اقتصادی باروری، توسعه زیادی داده شده است. در این رویکردها می‌توان به نظریات افرادی مانند لیبشتاین و بکر اشاره کرد. یکی از مهمترین نظریه‌ها در این زمینه نظریه اقتصاد خرد بکر است. به اعتقاد وی، تصمیم خانواده در زمینه رفتار باروری تحت تأثیر دو شرط عمده است: نخست تصمیم‌گیری عقلایی بین راه حل‌های جایگزین؛ و دوم در نظر داشتن ارزش فرزند. بر این اساس، همان‌گونه که خانواده‌ها در زمینه اقتصادی در مورد گزینش کالا تصمیم می‌گیرند، به همان نحو در مورد ترجیحات و سلیقه‌های خود، میزان درآمد و هزینه‌های

۱. عزل یعنی: اخراج، انفصال، برکناری (دهخدا، ۱۳۷۲، ماده «عزل»)، و در اصطلاح دانش فقه به معنای ریختن منی در خارج از رحم زن، هنگام نزدیکی به منظور جلوگیری از باردار شدن است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۷۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۲۳۰).





داشتن فرزند نیز اقدام می‌کنند. در این رویکرد افراد توانایی ارزیابی در شرایط خود دارند و برای بالابردن منافع سعی می‌کنند. (بکر، ۱۹۹۳).

نظریه لیبنشتاین، بر این فرض است، که فوائد و هزینه‌های فرزندان عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان تاثیر می‌گذارد. والدین به ارزیابی هزینه‌ها و مخارج ناشی از فرزندان می‌پردازند (برنارد، ۲۰۰۶). چنانچه منافع داشتن فرزند بیش از هزینه‌ها یا مخارج او باشد، نگرش والدین مثبت خواهد بود و تصمیم به داشتن فرزند خواهند گرفت. (رابینسون، ۱۹۹۷، ص ۸۲). طبق نظر لیبنشتاین (۱۹۵۷) پدر و مادر سه فایده از داشتن فرزند انتظار دارند: ۱- فایده‌ای که فرزند کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود و لذت شخصی برای پدر و مادر دارد؛ ۲- فایده‌ای که فرزند به منزله عامل تولیدی می‌تواند داشته باشد که از طریق مشارکت در نیروی کار و کمک به درآمد خانوار فراهم می‌آید؛ ۳- فایده‌ای که از منبع بالقوه امنیت، به‌ویژه در سنین پیری ناشی می‌شود. هزینه داشتن فرزند نیز دو بعد مستقیم و غیر مستقیم دارد. هزینه‌های مستقیم (مادی) شامل غذا، لباس، آموزش و غیره است. هزینه‌های غیر مستقیم به فرصت‌هایی اشاره دارند که برای داشتن فرزند صرف می‌شود که از آنها با عنوان هزینه فرصت از دست رفته نیز یاد می‌شود؛ مانند چیزهایی که والدین برای بزرگ کردن فرزند از دست می‌دهند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱). تئوری‌های لیبنشتاین^۲ مبتنی بر همین فرض است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان تاثیر می‌گذارد. لیبنشتاین مسئله هزینه و منفعت را در نظر می‌گیرد و می‌گوید والدین سبک‌سنگین می‌کنند که داشتن فرزند چقدر هزینه یا منفعت می‌تواند داشته باشد. چنان‌که منافع داشتن بچه بیشتر از هزینه‌ها یا مخارج باشد، نگرش والدین مثبت خواهد بود و تصمیم به داشتن بچه خواهند گرفت (رابینسون، ۱۹۹۷، ص ۸۲). در چارچوب این رویکرد، نگرش‌های جنسیتی از درک افراد از

1. Robinson
2. Liebenstein -Harvy
3. Robinson

هزینه‌ها و منافع داشتن فرزند تأثیر می‌گیرند. زنان تساوی‌گرا، نسبت به زنان با نگرش‌های سنتی، فواید کمتری برای داشتن فرزند قائل‌اند.

۱/۱. نظریه نوگرایی

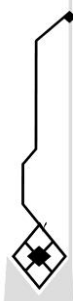
نظریه نوگرایی بیان‌گر این است که نوسازی محیط و بازسازی اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی در جامعه‌های گوناگون می‌تواند تا اندازه‌ای میزان فرزندآوری را تغییر دهد و باعث شود روحیه آینده‌نگری و گرایش به زندگی که همراه با آسایش و شادکامی باشد، در اذهان مردم جاری گردد. این نظریه، دنبال می‌کند که پیشرفت و توسعه فناوری بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های عاطفی و ارزشی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تغییراتی در ارتباط با کاهش میزان مولید به وجود آورد (ادیبی سده و دیگران، ۱۳۹، ص ۸۸). نظریه نوگرایی بر تحولات اقتصادی اجتماعی ناشی از شهرنشینی، صنعتی شدن و دیگر اشکال نوگرایی به عنوان عامل عمده کاهش باروری تأکید می‌کند.

۲/۱. نظریه ارتقاء اجتماعی^۱

آرسن دومونت، فیلسوف فرانسوی، از مقدم‌ترین اندیشمندان در نظریه ارتقاء اجتماعی معتقد بود که داشتن فرزندان کمتر یا بیشتر، ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد؛ (اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزندان بیشتر ارتقاء منزلت اجتماعی بیشتر شود، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند). دومونت اصل موبینگی اجتماعی را مطرح کرد. منظور از موبینگی اجتماعی، تمایل فرد به ارتقای اجتماعی، افزایش فردیت و کسب سرمایه فردی است. ارتقای اجتماعی نیازمند از خودگذشتگی است (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۱، ص ۳۵). دومونت معتقد بود که داشتن فرزند کمتر بهایی است که زوجین برای پیشرفت باید بپردازند. از آنجایی که فرزندان موجب پس-رفت فردی و خانوادگی می‌شوند، تعدادشان محدود شد (دومونت^۲ ۲۰۱۲). بر اساس این

1. Social Capillarity

2. Dumont، A





نظریه، میزان باروری هر خانواده و جامعه مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می‌باشد. خانواده با پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به عنوان یک عضو داراست، به فرزندآوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث حرکت صعودی خانواده شود، آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزندآوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خانواده بداند، آن را به طرق مختلف کنترل می‌کند (رشیدی، ۱۳۷۹، ص ۴).

۳/۱. نظریه انتخاب عقلانی^۱

نظریه انتخاب عقلانی یا نظریه ریسک‌گریزی را هوارد بکر^۲ (۱۹۶۰) برای مطالعه رابطه شرایط اقتصادی-اجتماعی و رفتار باروری بیان کرد. در نظریه انتخاب عقلانی، فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی بر شناختی است که تحت شرایط خاصی، از مؤثرترین وسایل جهت رسیدن به اهداف خود، دارند. در جهانی که منابع کمیاب است، لازم است پیوسته وسایل مختلف برای رسیدن به اهداف مختلف و نیز انتخاب بین آن‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. اصطلاح انتخاب عقلانی نیز از همین بنیان ناشی می‌شود (والاس و وولف^۳، ۱۹۹۹، ص ۲۴۹؛ آب، ۲۰۰۳، ص ۷۱۸). نظریه انتخاب عقلانی بیان می‌کند که در تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، افراد محاسبه می‌کنند که آیا سود یک فرزند اضافی بیشتر از هزینه‌ها است؟ اگر هزینه اقتصادی کودکان افزایش یابد، در برخی از آستانه‌های روانی فردی رد می‌شود و تصمیم به عدم داشتن فرد (دیگر) گرفته می‌شود. نظریه ریسک‌گریزی بسط این فرض است که در داشتن فرزند، افراد تصمیم می‌گیرند مسیر زندگی آینده خود را تغییر دهند و تصمیم آنها به جهت‌گیری آینده آن‌ها و در نتیجه هزینه و منافع آینده بستگی دارد. اگر مردم تصور کنند که آینده اقتصادی، اجتماعی یا شخصی آن‌ها در خطر است، ممکن است برای جلوگیری از این خطر تصمیم بگیرند که بچه‌دار نشوند. در نتیجه، مردم در امنیت

1. Rational choice theory
2. Becker, H
3. Wallace & Wolff

اقتصادی (آموزش، وابستگی به نیروی کار، ساعات طولانی کار، پس‌انداز) سرمایه‌گذاری می‌کنند تا در ناامنی فرزندآوری. این دیدگاه نظری حاکی از آن است که جامعه‌ای که هزینه‌های کودکان را جبران نمی‌کند، ناگزیر فرزندان کمتری خواهد داشت (مکدونالد^۱، ۲۰۰۰).

۴/۱. نظریه عرضه، تقاضا و هزینه‌های تنظیم^۲

از جمله تئوریهای اقتصادی، می‌توان به تئوری ریچارد استرلین^۳، از برجسته‌ترین نظریه پردازان باروری اشاره کرد که نظریه خود را با استفاده از تئوریهایی که در صدد تبیین اقتصادی باروری هستند، بیان می‌کند. این نظریه به نظریه «عرضه و تقاضا» و هزینه‌های تنظیم شهرت یافته است. از نظر استرلین، سطح باروری و فرزندآوری بر اساس ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی تعیین می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۵). بر اساس این نظریه اقدام به فرزندآوری، بر مبنای احتساب سود و زیان مترتب بر آن ارزیابی می‌شود و اگر احساس شود که دارای پیامدهای مثبت و سودآور است، در آن صورت از اقدام به آن کوتاهی نمی‌شود و اگر احساس شود که هزینه‌ها بر منافع پیشی گرفته، از اقدام به آن صرف‌نظر خواهد شد (تاج‌بخش، ۱۳۹۹، ص ۷۶).

۲. رویکرد اجتماعی - فرهنگی

در رویکرد اجتماعی فرهنگی، بیش از آنکه مسائل اقتصادی در فرزندآوری نقش ایفا کند، فرهنگ و جایگاه اجتماعی خانواده نقش دارد. در این رویکرد نیز چند نظریه ارائه شده است.

۱/۲. نظریه اشاعه^۴

1. McDonald
2. Theory of supply, demand and adjustment costs
3. Sterling, R
4. Diffusion theory



نظریه اشاعه یا نوآوری^۱ در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در ادبیات پژوهشی جمعیتی توسط نودل و وندوال^۲ بیان شد. نظریه اشاعه گویای این است که پیشرفت و توسعه و فناوری بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های عاطفی و ارزشی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تغییراتی در ارتباط با کاهش میزان مولید به وجود آورد (ادبیی سده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۸). مطابق این رویکرد، کنترل رفتار باروری از فردی به فرد دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر اشاعه پیدا می‌کند و این فرآیند به شدت به صنعت ارتباطات وابسته است و وقتی گروهی رفتار جدیدی اشاعه می‌کنند و یا ابزار جدیدی را به کار می‌برند که در عمل با موفقیت همراه است، دیگران نیز به طور فزاینده و سریع مطابق آن گروه عمل می‌کنند و این فرایند تبعیت و تکرار به حدی ادامه می‌یابد که در جامعه به هنجار تبدیل خواهد شد (ون دکا). در همین رابطه، افرادی مانند نوتشتاین^۳ عواملی مانند صنعتی شدن و شهرنشینی (نوسازی) را از عوامل زمینه‌ساز تغییرات باروری عنوان کرده‌اند (به نقل از آقایی هیر، ۱۳۹۵، ص ۱۱). همچنین فاولست^۴ معتقد است که نوسازی محیط (در اثر تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی و غیره) موجب نوساختن گرایش‌ها و ارزش‌های فرد شده و رفتار و شیوه زندگی وی را تغییر می‌دهد. در نتیجه «خانواده‌گرایی» تضعیف گشته و میل به زندگی مرفه‌تر، حفظ سلامت جسمانی و روانی افزایش می‌یابد. از این رو در چنین والدینی به دلیل فشارهای مادی، روانی و جسمانی که فرزند در زندگی ایجاد می‌نماید، ارزش فرزند کاهش می‌یابد (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

1. Modernization theory
2. Noodle and Vandal
3. Notestein 1953 cited in Morgan and al ۲۰۰۵:۲۳۱3. Sterling, R
3. Diffusion theory
3. Modernization theory
3. Noodle and Vandal
3. Notestein, 1953, cited in Morgan and al
4. Fawcett

۲/۲. نظریه لیون و اسکریم شاو^۱

نظریه لیون و اسکریم شاو یکی از نظریه‌هایی است که در تبیین رفتار باروری به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها در رفتار اشاره کرده است. از نظر این دو مؤلف، فرهنگ نظام سازمان یافته‌ای از معانی مشترک و رایج میان مردم است. مجموعه‌ای از مفروضات اساسی و تصوراتی که قوانین و عقاید را ایجاد می‌کند. چنین الگوهای فرهنگی، عقاید و انتظارات مشترک یک جمعیت درباره باروری و مرگ و میر آن جمعیت را به طور ویژه نشان می‌دهند. مفهوم مورد تأکید در این مدل‌ها، عقلانیت فرهنگی است. عقلانیت فرهنگی آشکار می‌سازد که مثلاً رفتار باروری در کدام موقعیت مجاز و در کدام موقعیت باید با محدودیت همراه باشد. مطالعه و شناخت محیط فرهنگی عاملان، به عنوان بستر شکل‌گیری کنش و بررسی هنجارهای حاکم بر رفتار کنش‌گران، توزیع مناسبی از ساز و کار عوامل مؤثر بر رفتار ارائه خواهد داد (کارتر^۲، ۱۹۹۸).

بر همین اساس اگر محیط فرهنگی از طریق خویشاوندان و دوستان زن، او را تشویق به داشتن فرزند دیگر کنند، گرایش او نیز به داشتن فرزند دیگر، بیش‌تر از زنی است که هیچ تشویقی از نزدیکان و دوستان خود دریافت نمی‌کند و ترغیب به این کار نمی‌شود.

۳/۲. نظریه تکامل فرهنگی آرایش^۳

در تئوری تکامل فرهنگی به دلیل رشد زیاد جمعیت در گذشته در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که ریشه در آداب و رسوم سنتی آمیخته با باورهای مذهبی و فشارهای اقتصادی به شکل‌گیری ذهنیت و نگرش‌های قوی در میان مردم در جهت طرفداری از تعداد فرزندان زیاد منجر می‌گردید، بر این نکته تأکید می‌شود که راه دست یافتن به موفقیت، در کنترل جمعیت در کشورهای کم توسعه یافته، تنها از طریق تغییر

-
1. Lyon's theory & screemshov
 2. Carter
 3. Ehrich





دادن این گونه تفکرهای بنیادی است و مهمترین راه برای انجام این امر تغییر شریابی است که ابتدا این اندیشه‌ها را به وجود آورده است (فروتن، ۱۳۸۸، ص ۹۶-۹۷).

۴/۲. نظریه هویت^۱

سایمون^۲ (۱۹۸۶) نظریه «هویت» را در مقابل دیدگاه‌های اقتصادی مانند نظریه انتخاب عقلانی مطرح کرد، رفتارهای باروری کشورهای اروپایی را نمی‌توان تنها با شاخص‌های اقتصادی؛ مانند درآمد، شغل و غیره تبیین کرد؛ بلکه هویت افراد تعیین‌کننده رفتارهای باروری آنهاست. از نظر سایمون میزان هویت اثرات اجتماعی بر زوجین و گستره تلقی آن‌ها از هویت خانواده، می‌تواند بر رفتار باروری زوجین تأثیر گذارد (موسوی و قافله‌باشی، ۱۳۹۲).

۵/۲. نظریه منابع بلادوولف

ایده اصلی این دیدگاه این است که یک فرد منابع و امکاناتی در اختیار دارد که برای فرد دیگر جهت رسیدن به اهداف و نیازها، تمایلات و علایق ضروری است. تئوری منابع بر این فرض استوار است که قدرت تصمیم‌گیری هر یک از آنان با میزان مشارکتی که هر یک از زوجین در تأمین نیازهای ارزشمند دارند، رابطه مستقیمی دارد. ایشان به طور خاص بر منابع درآمد، اشتغال و تحصیلات تمرکز می‌کنند و معتقدند بین این متغیرها و میزان قدرت در تصمیم‌گیری رابطه مثبت وجود دارد. قدرت همسر جهت تصمیم‌گیری در خانواده متأثر از پایگاه‌های آنها در جامعه گسترده‌تر است که این پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر به وسیله سه متغیر (تحصیلات، اشتغال و درآمد) اندازه‌گیری می‌شود. همچنین آنها بر این باورند که قدرت شوهر یا افزایش سطح تحصیلات، درآمد و پایگاه شغلی وی و با مجموعه‌ای از این عوامل افزایش می‌یابد. بنابراین متغیرهای یادشده به عنوان منبعی است که مرد می‌تواند از آن برای کسب قدرت

1. Identity Theory
2. Simon، H.A

بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کند. علاوه بر این زن یا شوهری که بیرون از خانه کار می‌کند منابع قدرت را با خود به خانه می‌برد. پر قدرت‌ترین منبع پول است. فردی که منبع اقتصادی را با خود به خانه می‌برد، از نظر اجتماعی و روانی نیز خود را فرد مؤثری می‌داند (موحد و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۱۶۵). با توجه به نظریه منابع می‌توان گفت زنان با اشتغال در فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد از آن به منابعی دست می‌یابند که باعث می‌شود قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده داشته باشند. یکی از تصمیم‌گیری‌های مهم در خانواده تعیین تعداد فرزندان است. وقتی زنان دارای قدرت تصمیم‌گیری بیشتری باشند تعداد فرزندان را کاهش خواهند داد و در نتیجه گرایش به باروری کمتری خواهند داشت.

۶/۲. نظریه تعارض نقش^۱

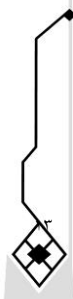
تعارض نقش، زمانی اتفاق می‌افتد که تقاضاهای ناسازگارانه بر یک فرد وجود دارد. تعارض درونی نقش، زمانی است که تقاضا در یک حوزه واحد زندگی است و تعارض بین نقش، زمانی است که بین دو حوزه زندگی مثل زندگی خانوادگی و کار به وجود می‌آید. تعارض نقش، یک موقعیت است که انتظار می‌رود یک فرد دو نقش غیر مکمل را با هم بازی کند. یکی از عمومی‌ترین تعارض‌های نقش بین کار و خانواده است. محققان به این مورد توجه داشته‌اند که کاهش نرخ باروری در کشورهای توسعه یافته در اثر تعارض نقش زنان به وجود آمده است (به نقل از حاج علی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۹۷).

۷/۲. نظریه فشار نقش^۲

گاهی به دلیل تعارض نقش‌ها و وظایف و انتظاراتی که در قبال آن نقش وجود دارد، فرد در انجام نقشی که از او انتظار می‌رود دچار مشکل می‌شود. تعارض درونی نقش

1 . Role conflict theory

2 . Role Strain





برای زنان، همواره بین نقش مادری - همسری وجود داشته است و تعارض بیرونی برای زنان شاغل و زنان در حال تحصیل همواره وجود داشته است و همیشه از زنان انتظار می‌رود که همه این نقش‌ها را به خوبی مدیریت و ایفا کنند. بنابراین زنان در موارد زیادی تحت فشار نقش قرار می‌گیرند و برای کنترل این فشار نقش و تعارضات نقش، گرایش به باروری آنان کاهش می‌یابد، تا با کاهش تعداد فرزندان بتوانند تعارض‌ها را کمتر کنند (همان).

۳. رویکرد روان‌شناختی

یکی از رویکردهای نظری مهم در باب فرزندآوری رویکرد روان‌شناختی است. در این رویکرد نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که در اینجا به دو نظریه معروف آن اشاره می‌شود.

۱/۳. نظریه رفتارهای برنامه‌ریزی شده^۱

مطابق نظریه رفتار طرح ریزی شده آیزن،^۲ یک رفتار، حاصل عمل طرح ریزی شده است و عمل طرح ریزی شده نیز به وسیله نگرش فرد نسبت به رفتار تعیین می‌شود (لوکاس، ۲۰۰۷). منطبق با این تفکر، رفتار باروری فرد توسط سه عامل تحت تاثیر قرار می‌گیرد که عبارتند از: نگرش فرد در خصوص داشتن فرزند بر اساس ارزیابی او از هزینه‌ها و منافع ادراک شده از والد بودن، هنجار ذهنی در خصوص اشتیاق و تمایل به داشتن فرزند در میان دوستان و اعضای خانواده، و احساس فرد از توانایی خود در خصوص رفتار باروری، اولین عامل مهم در شکل‌گیری قصد باروری نگرش فرد است. نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری پیش شرط داشتن قصد مثبت برای فرزندآوری است. نگرش فرد عموماً نتیجه ارزیابی او از هزینه‌های عاطفی و مالی داشتن فرزند در قبال منافع مختلفی است که با داشتن فرزند به دست خواهد آورد (آیزن، ۲۰۱۳).

1. Theory of Planned Behaviors (TPB)

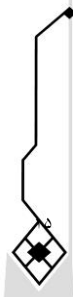
2. Ajzen

آیزن (۱۹۹۱) معتقد است که نيات و تمايلات، مقدمه رفتار هستند. نيات به شرايط فرد (وضع اقتصادي، زناشويي و غيره) و همچنين به بستر بزرگتر جامعه بستگي دارند که در هر دوي آنها طبق دوره بارداري دچار تغييرات عمده‌اي خواهند شد (رينگناير ۱ و همکاران، ۲۰۱۱). تمايز آشکاري بين نيات مثبت (تمايل به داشتن فرزند/ فرزند ديگر در آينده) و نيات منفي (تمايل به بي فرزند ماندن يا نداشتن فرزند ديگر) وجود دارد. نيات منفي شاخص بسيار مهمي براي رفتارهاي آينده است؛ در حالي که نيات مثبت، در عين اين که مي‌توانند عامل مهمي باشند، اما باروري مشاهده شده را بيش از اندازه برآورد مي‌کنند(شون آل^۲: ۱۹۹۹).

۲/۳. نظريه ارزش کودکان^۳

نظريه ارزش کودکان گرچه ريشه در روانشناسي دارد، اما شامل طيف گسترده‌اي از ابعاد اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي مي‌شود. بر همين اساس اين يک دیدگاه يکپارچه در مورد عوامل تعيين کننده انگيزه فرزندآوري، با درنظر گرفتن عامليت کنشگر فردي و ساختارهاي اجتماعي است (ناک، ۲۰۰۵؛ هافمن، ۱۹۷۳: ۳۲۴). تاکيد نظريه ارزش کودکان نيز با تاکيد بر تامين نيازهاي والدين توسط کودکان، باروري را به عنوان نتيجه تصميم‌گيري هدفمند مورد توجه قرار مي‌دهد (بولاتائو و آرنولد^۴، ۱۹۷۷: ۱۰۵؛ هافمن^۵، ۱۹۷۳: ۸۷). بر اساس اين نظريه، کودکان طيف گسترده‌اي از نيازهاي رواني و اقتصادي والدين خود را برآورده مي‌کنند (هافمن، ۱۹۷۳). حضور فرزندان در خانواده، موجب تقويت جايگاه و هويت اجتماعي والدين شده و بيانگر تحقق احکام اخلاقي فرهنگي است. وجود فرزند، روابط درون خانواده را تقويت کرده، به والدين فرصت تغيير و تجربيات جديد مي‌دهد و حيثيت و مقام والدين را بالا مي‌برد (بوهلر^۵، ۲۰۰۸: ۵۷۱).

1. Regnier
2. Sehoenal
3. The Value of Children
4. Bulatao and Arnold
5. Hoffman



بوهلر^۱ (۲۰۰۸) با بیان نظریه ارزش کودکان معتقد است، که ازدواج منجر به تغییر در شبکه ارتباطات زوجین می‌شود. در واقع این کار نه تنها زن و شوهر را به شبکه ارتباطی یکدیگر وارد می‌کند، بلکه باعث گسترش شبکه ارتباطی آنان با اعضای خانواده و دوستان می‌شود. همین موقعیت با تولد فرزند نیز رخ می‌دهد. کودک به عضوی از شبکه‌های جدید و بسیار مهم تبدیل می‌شود و روابط شخصی والدین و محیط‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد. در واقع، فرزند در عین حال که روابط شخصی والدین را تحت تاثیر قرار می‌دهد، روابط آنها را با خویشاوندان، دوستان و سایر افراد جامعه نیز دستخوش تغییر می‌کند. کودک محافل اجتماع والدین خود را اصلاح می‌کند؛ به طوری که والدین پس از تولد فرزند خود، در پارک‌ها، مهدکودک‌ها یا مدارس با افرادی تعامل پیدا می‌کنند که قبلاً آنها را ملاقات نمی‌کردند. والدین در راستای تربیت، آموزش و تغذیه کودک، مقدار زیادی از وقت، پول، انرژی و منابع ذهنی را در انتظار دریافت عشق، محبت، سرگرمی، رضایت و پشتیبانی در دوران سالمندی صرف می‌کنند (هالشتاین و برایا^۲ لی ویلیس^۳ ۱۹۹۷؛ کاکس^۴). علاوه بر این، به واسطه روابط نزدیک و عاطفی والدین و فرزندان، والدین درگیر فرایندهای مبادله‌ای هستند که در روابط دیگر تجربه نمی‌کنند (بوهلر، ۲۰۰۸: ۵۷۳). ازدواج فرزندان نیز شبکه‌های ارتباطی والدین را تقویت می‌کند و فرصت‌های جدیدی را برای تبادل بین فردی با اعضای خانواده جدید (عروس یا داماد) و همچنین، دیگر اعضای جامعه ایجاد می‌کند (هایدی^۵ ۲۰۰۷؛ لوی استراوس^۶ ۱۹۹۳).

۴. رویکرد ایده‌ای و نگرشی

1. Buhler
2. Hollstein. H & Bria. A
3. Lee، W
4. Cox، H
5. HEADY، L
6. Strauss، L



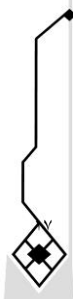
این رویکرد از نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی در تغییر رفتارها و ایده آل‌ها به عنوان یکی از مولفه‌های مهم تغییرات خانواده، ازدواج و فرزندآوری دفاع می‌کند (ون دکا، ۲۰۰۱، تورنتون، ۲۰۰۱، به نقل از عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶: ۱۴۱). در واقع تبیین‌های نگرشی اهمیت بیشتری برای نقش بالقوه مهم تغییر ایده‌ها و گرایش‌های فرهنگی قائلند که در تعامل با عوامل ساختاری، منجر به ایجاد تغییراتی در خانواده می‌شوند. سه نظریه مهم در این ارتباط، نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت، نظریه ایدآلیسم توسعه‌ای تورنتون و نظریه گذار جمعیتی دوم ون دی کا و لستهاق می‌باشند. از میان این سه نظریه، نظریه سوم قابل توجه است. (نک: همانجا)

۱/۴. نظریه گذار جمعیتی دوم^۱

نظریه گذار جمعیتی دوم که خاستگاه اولیه آن عمدتاً مبتنی بر تحقیقات ویلیام تامپسون و فرانک توتشتاین^۲ در دهه ۱۹۵۰ در دانشگاه پرینستون است، به تبیین زمینه‌های تکوین و پیامدهای پویایی و تحولات خانواده می‌پردازد. این نظریه معطوف به وضعیت و ویژگی خانواده نوین در چند دهه اخیر است و به همین سبب، گذار خانواده و پیوندهای زناشویی در دوره معاصر به ویژه در کشورهای صنعتی دستخوش تحولات بنیادین شده است. ون دکا (۲۰۰۳) خاطر نشان می‌کند که گذار جمعیتی دوم، ناظر بر تحولات بنیادین خانواده است که بیش از هر چیز ریشه در فردگرایی دارد. در حالی که در گذشته جامعه معمولاً معطوف به خانواده و فرزندان بود و دگرخواهی نقش اصلی را در زندگی خانوادگی ایفا می‌کرد (فروتن، ۱۳۹۷: ۳). بنابر نظریه گذار جمعیتی، هر چقدر میزان توسعه‌یافتگی در منطقه و کشوری بیشتر باشد، انتظار می‌رود میزان باروری پایین‌تر باشد؛ زیرا فرایند گذار باروری از طریق دو عامل ماهیت فرهنگی، شدت بیشتری به

1. Second Demographic Transition

2. Thompson, W & Frank, T



خود گرفته است: ۱. جنبش زنان، ۲. برابری طلبی جنسیتی در تحصیلات پسران و دختران (کالدول^۱، ۲۰۰۸، ص ۴۳۶).

۵. رویکرد ساختاری

در زمینه رویکرد ساختاری دو نظریه قابل توجه است:

۱/۵. نظریه نوسازی

نظریه پردازان کلاسیک معاصر، نوسازی بر تحولات خانواده که در نتیجه صنعتی شدن و شهرنشینی و افزایش تحصیلات زنان است، تاکید داشته‌اند. از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای اشاره کرد. از دیگر تغییرات، کاهش تاثیر سنت‌ها بر خانواده است. این تغییرات بی‌شک بر گرایش به باروری که از کارکردهای خانواده است نیز تاثیر خواهد داشت. با افزایش تحصیلات و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، گرایش زنان به باروری نیز کاهش خواهد یافت. نظریه‌پردازان نوسازی معتقدند، آن دسته از افراد که تحصیلات و سواد بیشتری دارند، از وسایل ارتباط جمعی بیشتری برخوردارند و در نتیجه دارای خصوصیات یک فرد مدرن هستند. به علاوه، گرایش‌ها، طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی که فرد در مدرسه می‌آموزد، با تجارب بعدی زندگی او در تعامل بوده، در مجموع گرایش کلی برای داشتن باروری کمتر را ایجاد می‌کند. ارتباط و تجارب افراد با نهادهای جدید در حقیقت تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نوگرایی آنها دارد. این تجارب تأثیر آشکار خود را از طریق نو ساختن گرایش‌ها و ارزش‌ها بر افراد اعمال می‌کند (اکتایی، ۱۳۸۴: ۶۱).

۲/۵. نظریه گذار جمعیتی اول^۲

1. Caldwell
2. First Population Transition



نظریه گذار جمعیتی اول، با توصیف تغییرات باروری و مرگ و میر، مدل نظری برای تبیین این تغییرات بر اساس مدرنیزاسیون ارائه می‌دهد و سپس بر اساس این مدل تغییرات آینده جمعیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه را پیش‌بینی می‌کند (سرینی و اسان، ۱۳۸۴: ۳۲). طرفداران این دیدگاه معتقدند کاهش موالید به دلیل فرایند صنعتی-شدن، شهرنشینی و به طور کلی توسعه اقتصادی می‌باشد. بر این اساس، این تغییرات، نخست مرگ و میر را کاهش داده و سپس باروری به دلیل افزایش احتمال بقای فرزندان و شهرنشینی و صنعتی شدن کاهش می‌یابد. از آنجا که پرورش فرزند پرهزینه است، انگیزه والدین از داشتن فرزندان بیشتر، سست می‌شود (ماسون^۱، ۱۹۹۷: ۴۴۴).

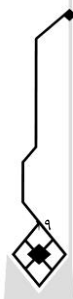
۶. رویکرد جنسیتی^۲

در زمینه ترجیح جنسیتی دو دسته نظریه وجود دارد. گروهی که مبتنی بر نظریات اقتصادی مانند نظریه گری‌بکر و انتخاب عقلانی هستند که فرزند (پسر) را به واسطه این که نفع بیش‌تری از نظر اقتصادی و حمایت والدین در دوران پیری دارند توجیه می‌کند و از سوی دیگر نظریه‌های فرهنگی که الگوی سلطه و برتری مردانه را در جریان جامعه‌پذیری به اعضای خود آموزش می‌دهد، مطرح است.

۱/۶. نظریه هماهنگی برابری جنسیتی بین نهادهای فرد محور^۳ و خانواده محور^۴

مکدونالد (۲۰۰۰) نظریه برابری جنسیتی را برای تبیین کاهش باروری مطرح کرد. مک دونالد در نظریه خود بیان می‌کند که باروری، تنها در صورتی افزایش می‌یابد، که برابری جنسیتی در موسسات خانواده محور به سطوح بالایی برسد. وی معتقد است، در صورتی که فرصت‌هایی نزدیک یا معادل مردان در آموزش و بازار کار برای زنان فراهم شود، اما این فرصت‌ها به سبب بچه‌دار شدن به شدت محدود شود، زنان تعداد

-
1. Mason
 2. Theories of gender equality
 - 3 . Individual-Oriented Institution
 - 4 . Family-Oriented Institutions





فرزندان خود را محدود کرده و در نتیجه باروری کاهش می‌یابد. مکدونالد نظریه برابری جنسیتی را در نهادهای خانواده محور و فردمحور مطرح می‌کند. از نظر مک دونالد گذار باروری از سطوح بالا به سطوح پایین، در اساس، در روابط با بهبود گند برابری جنسیتی در نهادهای اجتماعی خانواده محور و منحصر در خانواده بوده است. به اعتقاد مک دونالد، زنان در کشورهای صنعتی در نهادهای فردمحور نظیر آموزش و بازار کار، حقوق و آزادی به دست آوردند؛ اما تغییرات در نهادهای خانواده محور، نظیر خانواده و ازدواج کندتر بوده است؛ زیرا نظام خانواده به شدت در ارتباط با نهادهای محافظه کاری مثل مذهب است. این شرایط به "انقلاب از حرکت بازمانده" تعبیر شده است از این رو بسیاری از زنان به ویژه آنان که تحصیلات و چشم اندازهای شغلی بالاتر دارند با تاثیر گرفتن از عقاید برابری خواهانه جدیدی که در نهادهای فرد محور کسب کرده‌اند ممکن است نقش خود به منزله مادر و همسر را با نقش‌های دیگر در تضاد ببینند؛ از این رو سعی می‌کنند باروری شان را محدود کنند زیرا باروری وقت و نیروی زیادی از آنها می‌گیرد. بنابر این میزان باروری پایین استمرار خواهد یافت. مگر این که برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور بسیار سریع‌تر از آنچه در گذشته بوده است افزایش یابد. پس در زمینه‌ای از برابری جنسیتی بالا در نهادهای فردمحور برابری جنسیتی بالاتر در نهادهای اجتماعی خانواده محور، سبب افزایش باروری خواهد شد (مک دونالد، ۲۰۰۰). بنابر این، بحث اساسی این نظریه ناهماهنگی بین نهادها در زمینه برابری جنسیتی است، بدین معنی که عدم هماهنگی و ناسازگاری میان سطح بالای برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور و تداوم نابرابری جنسیتی در درون نهادهای خانواده محور، موجب شده است تا زنان نتوانند ترکیبی از کار و فرزند را وارد زندگی کنند. از این رو زنان ناگزیرند زاد و ولد خود را کنترل کنند و این موجب شده است تا باروری در کشورهای توسعه یافته صنعتی به زیر سطح جایگزینی کاهش یابد.

۲/۶. دیدگاه فمینیست

فمینیست‌ها در طول دویست سال عمر خود با گرایش‌ها و مبانی فکری مختلف به دنبال کاهش تبعیض و موقعیت، با توجه به جنسیت زنان در جامعه بوده‌اند. از جمله این موارد، نقش فرزندآوری زنان در خانواده است. از دید آن‌ها تولید مثل و مادری، باری بر دوش زنان است که باید از سر راه برداشته شود، آنها بارداری را شکلی از بردگی و جنین را به منزله یک مهاجم به بدن زن تلقی می‌کنند؛ همین دیدگاه موجب می‌شود که حق تصمیم‌گیری در باره بارداری را از حقوق تولید مثلی و مصداق آزادی زنان بدانند (آل بویه و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۰). مارکسیست فمینیست‌ها، زاینده‌گی را بیشتر رفتار حیوانی می‌دانند تا انسانی و از نظر آن‌ها حقیقت شخصیت انسانی تجلی یافته در کار تولیدی است و نه در کار زایشی. به طور کلی فمینیست‌های غربی به ویژه رادیکال‌های ایشان، با نادیده گرفتن نقش مردان، هرگونه اعمال قدرت و کنترل توسط مردان یا دولت را بر امور باروری زنان نفی می‌کنند و تصمیم‌گیری درباره بارداری و تولید مثل را از حقوق زنان و مربوط به حوزه آزادی زنان می‌دانند و معتقدند، این حق زن و فقط زن است که بخواهد یا نخواهد بچه‌دار شود (مشیرزاده، ۱۳۹۰ش، ص ۲۵). فمینیست‌های سوسیالیست معتقدند، با وجود آن‌که زنان همیشه کارهای گوناگونی انجام می‌دهند، اما در طول تاریخ، در درجه اول با کار جنسی و زایشی خود به مثابه مادران تعریف شده‌اند؛ به نظر آنها جدا کردن زنان از عرصه‌ی تولید و در نظر گرفتن آنها به عنوان مادر، استثمار زنان را که در جامعه صنعتی شدت یافته، گسترش داده است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹: ۶۵).

فمینیست‌های غربی میل مادری را فطری نمی‌دانند. سیمون دوبوار از اولین کسانی است که با انتشار کتاب معروفش که به عنوان کتاب مقدس فمینیست‌هاست، به نفی وجود غریزه مادری در زنان اقدام کرده است. وی نمونه‌هایی از مادرانی که هیچ علاقه‌ای به فرزند خود ندارند و آن را مایه تباهی روح و جسم خود می‌دانند را بیان کرده و در مقام اثبات ادعای خود برآمده و زن بودن را حاصل کلیشه‌های جنسی می‌داند. جمله معروفش این است: «هیچ انسانی زن به دنیا نمی‌آید بلکه بعدا زن می‌شود» (دوبوار، ۱۳۹۸:



۳۸۶-۳۸۷/۲). دوبرار عقیده دارد، مردان با ارزش‌گذاری بارداری و مادری، این نقش و مسئولیت‌ها را به زنان تحمیل می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

در رابطه با سقط جنین، فمینیست‌های غربی چنین استدلال می‌کنند که زن حق دارد همانند مرد، در مورد دارایی خویش از جمله بدنش تصمیم بگیرد و اگر خواست، جنین را که عضوی از بدنش محسوب می‌شود از بین ببرد؛ یعنی جنین تا زمان تولد، بخشی از بدن مادر به شمار می‌رود و مستقلاً دارای هیچ حق قانونی نیست (ویسیک، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۲). خانم دوبرار در این زمینه می‌گوید: «در دسترس بودن وسایل پیشگیری از حاملگی و سقط جنین، بدین معناست که زنان قادر خواهند بود بر بدن خویش حاکم باشند، نه اینکه به عنوان برده به آن عمل کنند (دوبرار، ۱۳۹۸ش، ح ۲، ص ۲۰۷). آن‌ها معتقدند، به هر صورتی که جنین شکل گرفت، اگر زن به هر دلیل خواهان فرزند نباشد، در هر مرحله‌ای از رشد جنین (حتی لحظه تولد)، زن حق سقط و خاتمه بارداری را دارد (والاس، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳۰؛ آل بویه، ۱۳۹۷ش، ص ۸۷؛ مشیرزاده، ۱۳۸۳ش، ص ۲۴۹ و ۲۵۰). به اعتقاد این‌ها، حیات انسان به زمان تولد تا مرگ محدود می‌شود؛ از این رو معتقدند کودک پیش از تولد، فقط توده‌ای از بافت بدون احساس و صفات انسانی است (پاسنو، ۱۳۸۴ش، ص ۶۳).

فقر نیز از دیگر ادله فمینیست‌های غربی برای سقط جنین است. خانم دوبرار که در تلاش برای تصویب قانونی سقط جنین است، چنین می‌گوید که مادر شدن اجباری، موجب می‌شود کودکان بیچاره که والدینشان ناتوان از رساندن غذا هستند، یا قربانیان سازمان‌های خیریه شوند و یا به کودکان زجرکش پیوندند. باید توجه کرد، اجتماعی که با چنین حرصی از حقوق جنین دفاع می‌کند، به محض تولد کودکان به آنان بی‌توجه می‌شود و به جای اقدام به اصلاح نهاد رسوایی برانگیزی که سازمان خیریه نامیده می‌شود، به تعقیب زنانی می‌پردازد که مبادرت به سقط جنین می‌کنند (دوبرار، ۱۳۹۸ش، ص ۳۴۵).

غیر از گرایش‌های اصلی، فمینیسم گرایش‌های فرعی بسیاری دارد، از جمله خانواده-گرا، اسلامی و غیره، با پذیرش تفاوت‌های زن و مرد و دفاع از بارداری، زایمان و

بچه‌داری را به عنوان فضائل زنانگی دانسته و معتقدند مادری می‌تواند و باید برای زنان یک تجربه لذت‌بخش باشد (فریدمن، ۱۳۹۷: ۱۱۴). خانم ودود تقسیم کاری که فقط پدر با فعالیت خارج از منزل مایحتاج خانواده‌اش را تامین کند و مادر در خانه به امور فرزندان مشغول باشد را تنها یک روش تلقی کرده، که هیچ حکم صریح قرآنی ندارد (ص ۱۵۸). وی معتقد است در قرآن واژه‌ای که بیان کند به دنیا آوردن کودک برای زن اصل باشد، وجود ندارد (روحی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۴۷). همچنین با استناد به آیه ۲۳۳ سوره بقره که مربوط به دریافت حق الزحمه شیردهی فرزند از پدر است، نتیجه گرفته که وظیفه اولیه زن که تولید مثل است، تنها تا لحظه تولد متوجه اوست لذا حتی پرورش اولیه نوزاد نیز اختیاری است (همان، ص ۸۷). از نظر فمینیست‌های مسلمان، قتل اولاد به دلیل فقر، هرگز پذیرفتنی نیست؛ زیرا آنان خود را پای‌بند به اصول قرآنی معرفی کرده و این موارد را مخالف نص صریح قرآن می‌دانند. همچنین در مواردی به دلیل وجود متنی از قرآن در برخی موارد، نظری هم‌سو با مفسران دارند. برای نمونه، خانم ودود ذیل آیات «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۱ و ۷۲). با تاثیرپذیری از نظر مودودی و هم عقیده با مفسران فریقین، دمیده شدن روح را ملاک تعلق حقوق انسانی می‌داند. در رابطه با قوامیت مردان در فرزندآوری، خانم ودود ذیل آیه «الرجال قوامون على النساء» (نساء: ۳۴) می‌گوید: «مطلوب این است که مرد هر آنچه را زن برای تحقق مسئولیت اولیه‌اش (آوردن فرزند) به آن نیاز دارد تامین کند؛ این مسئولیت (مردان) بیولوژیکی و ذاتی نیست اما ارزشمند است و باید نگرشی متمایل به مسئولیت ایجاد شود» (ودود، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۳۶). خانم بدران نیز این برداشت از آیه ۳۴ نساء را تایید کرده می‌گوید: «فمینیست‌های مسلمان در تفسیر این آیه، وظیفه حمایت مادی شوهر از زن را صرفاً مخصوص دوره بارداری و زاییدن او می‌دانند، نه این که در تمامی لحظات زندگی زناشویی، مرد مسئول زن باشد» (بدران، ۲۰۰۲ م، ص ۲۰۲ و ۲۰۳).



۷. رویکرد ادیان

پیروان ادیان و مذاهب - به ویژه پیروان ادیان الهی - ازدواج و فرزندآوری را به خاطر ارزش والای انسان به مثابه آفریده خداوند، مقدس می‌دانند. (ر.ک: تمنا، ۱۳۹۳، ص ۲۱۷) غالب ادیان - خصوصاً ادیان الهی - به افزایش نفوس انسانی ترغیب و جلوگیری از فرزندآوری را نهی می‌کنند. (نک: کتابی، ۱۳۸۷، اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، ص ۳۲)

۱/۷. رویکرد دین یهود

قدیمی‌ترین متن صریح در این باره در عهد عتیق آمده است:

پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید؛ و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید». (سفر پیدایش، ۱: ۲۷-۲۹).

منابع حقوقی یهود، داشتن فرزندان بسیار را مطلوب و مستحب می‌دانند و داشتن یک فرزند، حداقل تلاش برای انجام این فریضه محسوب می‌شود (نک: قانئ و معینی‌فر، ۱۳۹۴، ص ۹). نیز ازدواج یکی از پراهمیت‌ترین مراسم دین یهود شمرده شده است که برای ازدیاد نسل و قوم بنی‌اسرائیل، مهم‌ترین عامل شناخته شده و اجابت آن بر هر یهودی واجب است و ازدواج نکردن با وجود استطاعت مالی و جسمی و بچه‌دار نشدن در مرام یهودیان گناه شمرده می‌شود (گروه تحقیقات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۵). علاقه‌ی شدید به داشتن اولاد و به خصوص فرزندان پسر نیز در منابع یهود (تلمود) آمده است. از طریق بازی روی کلمات «بانیم» (فرزندان) و «بونیم» (سازندگان و آبادکنندگان) این نظر اظهار شده است که فرزندان خانه او را آباد می‌کنند. ایشان نه تنها آتی‌هی خانواده را می‌سازند، بلکه به همان‌گونه آینده‌ی جامعه را نیز بنا می‌کنند (براخوت، ۶۴ الف): «شخصی که اولاد ندارد مرده محسوب می‌شود» (برشیت ربا، ۷۱: ۶ یا ۹)، برای این

که نتوانسته است وظیفه‌ی اصلی را که بر عهده‌ی او نهاده شده بود انجام دهد، و نام او با خود او از میان خواهد رفت. خودداری از فرزندآوذب، گناهی بزرگ به شمار می‌آید. از آموزه‌های تورات این است که خداوند پس از آفرینش زن و مرد آن‌ها را جدا کرد، پس زن و مرد با هم ازدواج کردند و با هم منشا اساسی برای ایجاد یک کودک را به وجود آوردند. بنابر این اعتقاد، خداوند جهان را این گونه آفرید که مرد و زن با هم متحد شوند و دستور فرزندآوری (سفر آفرینش، ۱۲۸) را انجام دهند تا زندگی جدیدی را با هم به وجود آورند. علاوه بر این در تورات ذیل احکام ۶۱۳ گانه‌اش آمده است که نسل بشر را با ازدواج بر اساس شریعت تداوم ببخشید (تثنیه، ۱: ۲۴). نیز در تورات علاوه بر توصیه به حضرت آدم علیه السلام، خداوند به نوح (پیدایش، ۷: ۹)، یعقوب (پیدایش، ۳۵: ۹-۱۵) ابراهیم (پیدایش، ۳: ۱۷-۶) و اسحاق (پیدایش، ۴: ۲۶) ازدیاد نسل را به عنوان پاداش خداوند به بندگان خاص خود یاد کرده و این مزیت باعث اهمیت و اعتبار آن‌ها و قومشان نسبت به دیگران شده است.

همچنین اولین فرمان کتاب مقدس به حضرت آدم در سفر پیدایش چنین است: و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پرسازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید» (پیدایش: باب ۱، آیه ۲۸). این عبارت آشکارا میان جمعیت زیاد و افزایش قدرت پیوند برقرار کرده است.

۲/۷. دیدگاه مسیحیت و زرتشت

در مسیحیت نوعی دوگانگی پیرامون این مسائل وجود دارد. عیسی مسیح علیه السلام خود به کودکان عشق می‌ورزید و همه حواریون او جز یک نفر، دارای همسر و فرزند بودند و او آن‌ها را از این کار نهی نمی‌کرد. بسیاری از علمای مسیحی قرون وسطی نیز، طرفدار فرزندآوری و افزایش جمعیت بودند؛ اما پُل مقدس ۱ معتقد بود که اگر دخترت را

1 . St. Paul, (c. 5 – c. 64/65 AD).



به ازدواج درآوری، کار خوبی کرده‌ای، ولی اگر او را شوهر ندهی، بهترین کار را کرده‌ای! دو نفر از روحانیون مسیحی به نامهای اوریزن ۱ و ترتولین، ۲ ازدواج را امری ناپاک و مانع رستگاری می‌دانستند. ظاهراً وجه جمع بین این دو رویکرد، آن است که عموم مردم به ازدواج و فرزندآوری بپردازند، ولی روحانیون مسیحی، رُهبانیت در پیش گیرند. البته، این ممنوعیت در مورد کشیش‌های پروتستان ۳ و در سالهای اخیر حتی برای روحانیان ارتدوکس ۴ نیز برداشته شده است (نک: کتابی، پیشین، ص ۳۴ و ۳۵).

در متون مقدس زرتشتیان نیز، برتری مرد متأهل بر مرد ازدواج نکرده و برتری مرد دارای فرزند بر مرد بدون فرزند مورد تأکید است. همچنین سقط جنین در این متون به شدت تقبیح شده است. (نک: آرت یَشت، فقره ۵۷)

۳/۷. رویکرد اسلام

در اصلی‌ترین منبع اسلام، یعنی قرآن کریم، فرزند و فرزندآوری از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. فرزندآوری از نظر قرآن یعنی آوردن موجودی که کرامت انسانی دارد (ولقد کرّمنا بنی ادم) (اسرا: ۷۰). قرآن کریم غرض از آفرینش انسان به صورت مرد و زن را تکثیر، بقا و استمرار نسل انسان معرفی کرده است (نساء: ۱). آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدْ مَوَّا لَأنفُسِكُمْ؛ زنان شما کشتزار شمایند، پس گاه خواهید نزد کشتزار خود آید و برای خودتان (فرزند) بخواهید» (۲۲۳ بقره)، به طور روشن غرض از آفرینش جنسیت زن را فرزندآوری، تولیدمثل و زاد و ولد معرفی می‌کند؛ (نک: قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۳۵۴) و از عموم مخاطبان می‌خواهد که در روابط زناشویی خود در طلب فرزند باشند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص: ۵۶۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص: ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص: ۴۱۲). در تعالیم

- 1 . Origen & Adamantius, (c. 185 – c. 253 AD).
- 2 . Quintus Tertullianus, (c. 155 – c. 220 AD).
- 3 . Protestant
- 4 . Orthodox

اسلام یکی از ملاک‌های مربوط به صفات جسمانی همسر، استعداد باروری و فرزندآوری می‌باشد. (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۴) از اهداف مهم ازدواج که دین اسلام بر آن تاکید بسیار میکند، استمرار نسل انسانی و پرورش افراد برای آینده جوامع است. (همان، ص ۳۳) پیامبر ﷺ نیز ضمن تشویق امت خود به ازدواج، زیادی جمعیت مسلمانان را مایه افتخار خود می‌شمرد. (همان، ص ۳) در بعد فردی، بیشتر انسانها علاقه دارند که نسل آنها استمرار یابد و فرزندانی از خود داشته باشند. در آیاتی از قرآن دعا برای طلب فرزند مطلوب شمرده شده است (آل عمران، ۳۸-۴۸؛ مریم، ۳-۱۰؛ فرقان: ۷۴). در سخنان پیشوایان دین (ع) فرزند داشتن مایه خوشبختی شمرده شده و از سعادتهای انسان این است که فرزندی شبیه خود در اخلاق و رفتار و شکل ظاهری داشته باشد. (حرعاملی، همان، ج ۱۵، ص ۹۵ - ۹۶) و کسی که در طلب فرزند نباشد، خود را از حمایت اجتماعی قوی محروم کرده؛ زیرا فرزند معمولا بهترین یاور انسان است. (همان، ۹۶)

اسلام در مورد داشتن فرزند دختر و تربیت وی نگرش مثبتی ایجاد می‌کند و گاه برکات دختر را بیش از پسر معرفی می‌کند. پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که به بازار رود و برای خانواده خود هدیه‌ای بخرد ثواب کسی را دارد که به نیازمندان هدیه میدهد. او باید به دختران قبل از پسران هدیه دهد؛ زیرا کسی که دخترش را شاد کند، پاداش آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل داده می‌شود» (همان، ص ۱۰۰). با این که قرآن کریم برای عموم فرزندان از دختر و پسر ارزش قایل شده و هر دو را موهبتی از جانب خداوند به بندگان شمرده، اما برخلاف فرهنگ جاهلی که نزد برخی مردمان و قبایل و طوایف دختر را مایه ننگ خود می‌شمردند (نحل: ۵۸، زخرف: ۱۷)، و احیانا او را زنده به گور می‌ساختند (تکویر: ۸)، برای دختر ارزش و اهمیتی ویژه‌تر قائل شده است. در برخی از آیات قرآن کریم دختر بر پسر مقدم شمرده شده و حتی به مادر حضرت مریم که دوران بارداری خود را در آرزوی پسرदार شدن به سرآورده بود، اما هنگام زایمان دختر به دنیا آورده و در حسرت صاحب پسر نشدن می‌سوخت، خداوند دختر وی را بهتر از پسری



که در آرزویش بود می‌شمرد (آل عمران: ۳۶). در روایات، رزق و روزی دختران از ناحیه خدا تضمین شده است، لذا به همه کسانی که در مواجهه با امامان معصوم^{علیهم‌السلام} از دختردار شدن اظهار اندوه و ناراحتی می‌کردند توصیه شده که نگران روزی فرزندان دختر خود نباشند که خداوند خود روزی آن‌ها را تامین کرده و مایه برکت در زندگی آن‌ها خواهند بود. نیز فرزندان به ویژه دختران گل‌های خوشبویی معرفی شده‌اند که پدر و مادر از وجود آنان در خانه لذت می‌برند و آن‌ها مایه انس و رهایی از تنهایی پدر و مادرند. و خداوند به دختر، نسبت به پسر مهربانتر است (همان، ص ۱۰۴).

برخلاف برخی جریان‌های فمینیستی که جنین را بخشی از بدن زن، و زن را مالک بدن خویش و مُجَقّ در سقط جنین دانسته‌اند از نظر قرآن کریم، فرزند هدیه خدا به انسان (شوری: ۴۹) و نعمت و موهبت الهی برای والدین (انعام: ۸۴ - ۸۷؛ نحل: ۷۲؛ انبیاء: ۶۹ و ۷۲) است و سقط جنین به منزله رد هدیه خداست که زن را از رحمت خدا محروم می‌سازد، از این رو زن مجاز به سقط جنین نبوده و هیچ مالکیتی نسبت به وی ندارد. نیز فرزند متاعی است که پدر و مادر از آن بهره و لذت می‌برند (آل عمران: ۱۴)، مایه آراستگی و زینت زندگی (کهف: ۴۶)، دستیار و مددکار والدین (الاسراء: ۶؛ الشعراء: ۱۳۳؛ نوح: ۱۲)، و فرزند صالح، ادامه دهنده راه والدین است (مریم: ۶). در قرآن کریم یکی از درخواست‌های بندگان خاص خداوند این بیان شده که از خدا می‌خواهند فرزندان‌شان را مایه شادمانی آن‌ها قرار دهد (فرقان: ۶۳، ۷۴). نیز فرزند صالح بهترین یاور در مسیر حرکت خانواده به سوی خدا (آل عمران: ۳۸) (قرآنتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹) و تربیت صحیح فرزند می‌تواند یکی از کارهای نیکی باشد که بعد از پدر و مادر باقی می‌ماند (باقیات صالحات) و آثار نیک و برکات وجود وی در زندگی به پدر و مادر از دنیا رفته می‌رسد (کهف: ۴۶). همواره بندگان ویژه و اولیاء الهی از خداوند فرزند صالح و سالم درخواست کرده‌اند (فرقان: ۷۴؛ انبیاء: ۸۹ و ۹۰؛ آل-عمران: ۳۸؛ صافات: ۱۰۰؛ ابراهیم: ۳۹)، همچنین یکی از دعا‌های پیامبران، صاحب

فرزند شدن است و حضرت ابراهیم (حجر: ۵۴-۵۱؛ صافات: ۸۳ و ۱۰۱) و زکریا علیه السلام در کهن‌سالی (آل عمران: ۳۹-۳۸؛ مریم: ۲ تا ۷؛ زکریا: انبیاء: ۸۹) خواهان فرزند شدند.

در آیات قرآن، انسان‌ها در شرایط بسیار سخت زیستی ناشی از فقر یا نگرانی از فقر آینده و کمی امکانات و برخورداری از لوازم زندگی، و سایر شرایطی که زندگی را بر هر انسانی سخت می‌کند، از کشتن فرزندان خود به هر شیوه‌ای و در هر زمانی و لو قبل از تولد، بازداشته شده‌اند: *ولا تقتلوا اولادکم (اسرا: ۳۱)*؛ در سوره ممتحنه (آیه ۱۲) از زنان خواسته شده که به هیچ وجه دست را به کشتن و سقط جنین خود آلوده نسازند. و در هر حال حقوق کودکان خویش، از جمله حق حیات آنان را پاس دارند. این عبارات ارزش تحمل سختی‌های فرزندآوری را نمایان می‌کند و آن را در سطح فریضه‌ای چون جهاد در راه خدا و تلاش برای گسترش دین اسلام قرار می‌دهد (قطب، ۱۴۰۸: ۳۵۳). ام‌سلمه به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا، مردها همه خیرها را به دست می‌آورند، پس برای زنان چه سهمی است؟ حضرت در پاسخ فرمود: چنین نیست. زن هنگام بارداری به منزله کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جان‌ش در راه خدا می‌جنگد، پس زمانی که وضع حمل کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به سبب بزرگی آن، هیچ کس توان درکش را ندارد و آن‌گاه که کودکش را شیر می‌دهد، به ازای هر مکیدنی معادل آزادکردن یکی از فرزندان اسماعیل که وقف عبادت خدا شده، به وی پاداش تعلق می‌گیرد، و هنگامی که از شیردادن فارغ گردید، فرشته بزرگواری بر پهلوی او زده و می‌گوید: اعمال خود را از سرگیر، به درستی که تمام گناهانت آمرزیده شده است (صدوق، ۱۴۱۹ق، ۴۹۶، ح ۶۷۸).

با این همه در پاره‌ای از آیات قرآن نیز فرزند وسیله فتنه و آزمایش الهی (انفال: ۲۸، تغابن: ۱۵)، مایه دشمنی با پدر و مادر و دوری آن‌ها از خداوند (تغابن: ۱۴) و بدین وسیله از زیاده‌روی در محبت به آنان به طوری که پدر و مادر را به نافرمانی خدا سوق دهد، برحذر داشته شده است.





تحلیل و نتیجه‌گیری

در این مقاله از ۷ رویکرد به فرزندآوری یاد شد. که به جز رویکرد دینی و تا حدودی رویکرد فمینیستی سایر رویکردها در نظر بدوی نگاهی توصیفی به فرزندآوری دارند. در رویکرد اقتصادی، تشویق و اقدام به فرزندآوری تابعی از توان اقتصادی والدین برای جبران هزینه‌های فرزند و فواید مادی که از وی می‌برند است یا اینکه فرزند باید موجب ارتقای منزلت اجتماعی والدین شود. در رویکرد فرهنگی - اجتماعی میزان فرزندآوری ارتباط مستقیمی با نوسازی محیط، یعنی تحصیلات و فرهنگ والدین و صنعتی شدن جامعه دارد و در این فضا خانواده گرایی و فرزندآوری تضعیف می‌شود. با اینحال نزدیکان خانواده، هویت والدین، اشتغال زنان و رسوم اجتماعی و باورهای مذهبی، نقش زیادی در کاهش یا افزایش فرزندآوری دارند. در رویکرد روان شناختی سه عامل نگرش فرد به داشتن فرزند، هنجار ذهنی نسبت به تمایل به فرزند و احساس توانایی در باروری به علاوه تأمین نیازهای والدین توسط فرزندان در دوران پیری نقش تعیین کننده در فرزندآوری دارند.

در رویکرد ایده‌ای و نگرشی از نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در ازدواج و فرزندآوری دفاع می‌کند. در این رویکرد نظریه گذار جمعیتی دوم بر آن است که هرچه میزان توسعه یافتگی بیشتر باشد میزان فرزندآوری کاهش می‌یابد. در رویکرد ساختاری نیز همانند رویکردهای قبل به ویژه رویکرد فرهنگی اجتماعی، با افزایش تحصیلات و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، گرایش زنان به فرزندآوری کاهش می‌یابد. به علاوه گسترش صنعتی شدن و شهرنشینی عامل افزایش هزینه‌های پرورش فرزندان شمرده شده و میزان آن را کاهش می‌دهد. در رویکرد جنسیتی دو نظریه متفاوت وجود دارد: در یک نظریه فرزند پسر به جهت نفع بیشتر و حمایت از والدین در دوران پیری مورد توجه است، اما ایجاد فرصت برابر برای زنان در بازار کار موجب کاهش فرزندآوری می‌شود. در نظریه فمینیستی اغلب بارداری

شکلی از بردگی و جنین را یک مهاجم به بدن زن می‌دانند که باید از سر راه برداشته شود.

اما این رویکردها در واقع برای مسؤلان جامعه نگاهی توصیه‌های داشته و آنان را به برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات و موانع فرزندآوری در سه حوزه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وامیدارد. با این‌حال، این رویکردها نتوانسته است به درستی مشکل کاهش فرزندآوری در جوامع مختلف غربی و غیرغربی را برطرف کند، و در نتیجه اغلب کشورها همچنان از معضل کاهش فرزندآوری رنج می‌برند. از میان رویکردهای یادشده دو رویکرد دینی و فمینیستی به طور روشن به عاملان اصلی فرزندآوری نگاهی توصیه‌های و تجویزی دارند. رویکرد فمینیستی اغلب به عدم فرزندآوری توصیه می‌کند، که به نظر میرسد این نگاه در جوامع صنعتی و پیشرفته تأثیرگذاری بیشتری داشته و منجر به کاهش فرزندآوری در این جوامع شده است. برخلاف رویکرد فمینیستی، رویکرد دینی به فرزندآوری همواره نگاهی توصیه‌های دارد. این نگاه در میان باورمندان به آموزه‌های دینی از موفقیت نسبی برخوردار است. به همین دلیل مشاهده میشود خانواده‌های مذهبی در مقایسه با خانواده‌هایی که در عمل پایبندی کمتری به آموزه‌های دینی دارند، گرایش بیشتری به فرزندآوری دارند. در این میان آموزه‌های قرآن کریم و روایات پیامبر و اهل بیت^{علیهم‌السلام} به طور روشن‌تری، در عین توجه به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاهش فرزندآوری، در صدد تغییر نگرش مؤمنان برآمده و در حوزه اقتصادی، با ترویج توکل به خدا، و اینکه وجود فرزند، یکی از عوامل ازدیاد رزق و روزی میباشد، به مبارزه با موانع فرهنگی کاهش فرزندآوری پرداخته و پیروان خود را به ازدیاد فرزندآوری تشویق می‌کنند (برای آگاهی تفصیلی از این توصیه‌ها ر.ک: طیب-حسینی، ۱۴۰۲). بنابراین، رویکرد همه ادیان الهی به ویژه دین اسلام همواره فراتر از مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی و .. بر تشویق به فرزندآوری و گسترش نسل بشر بوده و برای نقش مادری مادران و فرزندآوری ارزش بالا و والایی قائلند. البته در شرایط خاص تعادل و مدیریت در فرزندآوری مد نظر است.



منابع

۱. آقایی هیر، توکل و دیگران (۱۳۹۵)، «فرزندآوری به مثابه‌ی مخاطره (مطالعه کیفی مانع‌های کم‌فرزندی در شهر تبریز»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده ۷۳: ص ۲-۲۷.
۲. تاج بخش، غلامرضا (۱۳۹۹)، «مطالعه زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری: پژوهش کیفی»، فصلنامه جمعیت، ش ۱۱۳ و ۱۱۴: ص ۶۹-۹۶.
۳. تمنا، سعید (۱۳۹۳)، جمعیت شناسی، [بی جا]، دانشگاه پیام نور.
۴. حاج علی، سعیده، سید محمد سید میرزایی، سید محمد صادق مهدوی (۱۳۹۸). «گرایش به باروری و اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر آن (مطالعه موردی زنان متاهل ۲۰ تا ۴۴ ساله شهر تهران)، فصل نامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ش ۳: ص ۸۹-۱۱۲.
۵. خلیج آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۶)، «نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیت باروری زنان در شهر تهران»، مطالعات جمعیتی، ش ۵: ص ۹۵-۱۲۹.
۶. خمینی، حسن (۱۳۸۲)، مبانی فقهی تنظیم خانواده. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت ☐.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۱۰. طیب حسینی، خدیجه (۱۴۰۲)، سبک‌های نگرش به فرزند و فرزندآوری (پایان-نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قرآن و حدیث.

۱۱. عباسی شوازی، محمدجلال و احمد دراهکی (۱۳۹۷)، تأثیر مکانیزم شبکه‌های اجتماعی بر قصد فرزندآوری زنان نقاط شهری استان بوشهر، مطالعات جمعیتی، دوره ۴، ش ۱، ص ۱-۳۹.
۱۲. فروتن، یعقوب و صدیقه رضایی پاشا (۱۳۹۷)، تأثیرات هویت دینی بر تمایلات فرزندآوری در مناطق روستایی و شهری منتخب تهران، مطالعات ملی، دوره ۱۹، ش ۷۳، ص ۷۵-۹۶.
۱۳. قاننی، محمد و محدثه معینی فر (۱۳۹۴)، «مفهوم، مصادیق و خاستگاه حق تولید مثل و باروری انسان در اسلام و اخلاق و حقوق لیبرال»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ش ۲، ص ۴۱-۵۳.
۱۴. قرآنتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۵. قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن‌الحديث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت.
۱۶. کتابی، احمد (۱۳۸۷)، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی (با تجدید نظر کلی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. محمودیان، محمود (۱۳۹۹)، «تأثیر نظریه تجزیه یافته رفتار برنامه ریزی شده بر رفتار خرید مصرف کنندگان برندهای لوکس». فصلنامه علوم مدیریت ایران، ش ۵۸، ص ۴۱-۵۳.
۱۹. موسوی، سیده فاطمه و مهدیه سادات قافله‌باشی (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۳۴.



